

إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)

انتشارات انصار امام مهدي (ع)

التَّيِّبَةُ

أَوْ

الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ

سرگردانی  
یا

مسیر به سوی خدا

السید أحمد الحسن

دوزبانہ (عربی - فارسی)

نام کتاب	سرگردانی یا مسیر به سوی خدا
نویسنده	سید احمدالحسن
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (ع)
نوبت انتشار عربی	سوم
تاریخ انتشار عربی	۱۴۳۱-۲۰۱۰ ق
نوبت انتشار ترجمه	دوم
تاریخ انتشار ترجمه	۱۳۹۴
کد کتاب	۲/۱۱۶
ویرایش ترجمه	دوم
دوزبانه سازی	
تاریخ دوزبانه سازی	۱۴۰۰

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن (ع) يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي:

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمدالحسن (ع) تارنماهای زیر مراجعه نمایید:

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)  
[www.almahdyoon.co/ir](http://www.almahdyoon.co/ir)

فهرست  
الإهداء

المقدمة  
پیشگفتار

تیه بنی اسرائیل  
سرگردانی بنی اسرائیل

[أهم أسباب الرفض]  
[مهمترین عوامل نافرمانی]

التيه في الأمة الإسلامية  
سرگردانی در امت اسلام

الإسلام والسياسة والحكم  
اسلام، سیاست و حکومت

طريق الخروج من التيه  
راه برون رفت از سرگردانی

الصلاة:  
نماز

والدعاء:  
دعا

والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر:

امر به معروف و نهی از منکر

## والخمس والزكاة:

خمس و زکات

## والصيام

روزه

## والصبر

صبر

## والتقية

تقيه

## والجهاد

جهاد

### ۱- نشر الفقه الدينى بين المؤمنين:

۱- نشر فقه دينى بين مؤمنين:

### ۲- الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر:

۲- امر به معروف و نهی از منکر:

### ۳- نشر فكر الثورة الإسلامية:

۳- گسترش فکری نهضت اسلامی:

### ۴- تهيئة القوة للجهاد:

۴- آماده‌سازی قوا برای جهاد:

## الإهداء

إلى النبي الكريم  
والقائد العسكري الفذ

ووصي موسى بن عمران (ع)

الذي قاد بني إسرائيل للخروج من التيه

إلى أحد الرجلين الذي أنعم الله عليهما؛ حيث قال تعالى:

(قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا  
دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ) المائدة: ٢٣

إلى السيد يوشع بن نون (ع)

سيدي هذا المسكين يهديك هذه البضاعة المزجاة

# فأوف لنا الكيل وتصدق علينا إنّ الله يجزي المتصدقين

## تقدیم

به نبی کریم

و پیشوای نظامی بی نظیر

و وصی موسی بن عمران (ع)

کسی که بنی اسرائیل را در خروج از سرگردانی رهبری نمود

به یکی از دو مردی که خداوند بر ایشان مِتّ نهاد؛ آنجا که می فرماید:

(دو مرد از آنان که پرهیزگاری پیشه داشتند و خدا نعمتشان عطا کرده بود گفتند: از این

دروازه بر آنان داخل شوید، و چون به شهر درآمدید شما پیروز خواهید شد و بر خدا توکل

کنید اگر از مؤمنان هستید [1]).

به سیّد یوشع بن نون (ع)

آقای من! این مسکین، این بضاعت اندک را به تو تقدیم می کند؛

پس بر ما پیمانۀ را تمام کن و بر ما صدقه‌ای ببخش؛

که خداوند صدقه‌دهندگان را پاداش می دهد.

# المقدمة پیشگفتار

## بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله الذي قال: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢﴾) ﴿١﴾ فَلَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٢﴾ (1).

ستایش مخصوص خداوندی است که می فرماید: (و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا بشارت دهی و [از عذاب] بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند \* و می گویند: اگر راست می گویند، این وعده چه وقت فرامی رسد؟ \* بگو: آن روز که میعاد شماست، نه ساعتی از آن تأخیر می کنید و نه ساعتی پیش می افتید)؛ (1).

لك الحمد ربنا أن عرفتنا ميعادك الذي لا يخلف، وسيفك القاطع وحجرك الدامع  
وعبدك الذي استخلصته لنفسك وارتضيته لنصرة دينك واصطفيته بعلمك  
وعصمته من الذنوب وبرأته من العيوب وأطلعته على الغيوب، وأنعمت عليه  
وطهرته من الرجس ونقيته من الدنس وجعلت طاعته طاعتك ونصرته نصرتك  
وعرفته لعبادك على لسان نبيك الأمي وعلى لسان من سبق من الأنبياء وذكرته  
في التوراة والإنجيل والقرآن وحذرت عبادك من الغفلة وقلت سبحانك من قائل:

بسم الله الرحمن الرحيم (وَيَوْمَ يَعْضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ  
الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿١﴾ يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ  
بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٣﴾) (3).

ستایش مخصوص توست ای پروردگار ما که به ما وعده تخلف ناپذیرت، شمشیر برندهات، سنگ کوبندهات، بندهای را که خود خالص گردانیدی و برای یاری دینت از او راضی گشتی و با

علمت او را انتخاب نمودی و از گناهان مصونش داشتی و از عیب‌ها به دور نگه داشتی و بر غیب آگاهی نمودی، به ما شناساندی؛ بنده‌ای که بر او منت نهادی، از پلیدی طاهرش گردانیدی و از آلودگی پاکش گردانیدی، اطاعت از او را اطاعت از خودت و یاری‌اش را یاری خودت قرار دادی و او را با بیان رسول امّی‌ات (ص) و انبیای گذشته‌ات (ع) به بندگانت شناساندی؛ او را در تورات، انجیل و قرآن بیان نمودی و بندگانت را از غافل شدن از او بر حذر داشتی؛ پاک و منزّهی! فرمودی: (روزی که کافر دستان خود را به دندان بگزد و بگوید: ای‌کاش به همراه رسول، راهی برگزیده بودم \* وای بر من! کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم \* او مرا از یادآوری [حق] گمراه ساخت بعد از آنکه [یاد حق] به سراغ من آمده بود! \* و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است)؛ (1).

**في هذه الأوراق غيض من فيض، وقليل من كثير مما يختلج في نفوس المؤمنين. وفي هذه الأوراق شيء من الماضي وشيء من الحاضر وكثير للمستقبل، وفي الماضي عبر لا تنكر، ثم إنه سنة إلهية لا تتغير.**

این نوشته‌ها، اندکی از فراوان و ناچیزی از بسیاری است که در وجود مؤمنان می‌گذرد. در آن‌ها مقدار ناچیزی از گذشته، مقدار ناچیزی از حال و مقدار زیادی از آینده وجود دارد. در گذشته، پندهایی انکارناپذیر وجود دارد؛ سنت الهی که تغییرناپذیر است.

**قال الخاتم : (والذي نفسي بيده لتركبن سنن من كان قبلكم حذو النعل بالنعل والقدّة بالقدّة حتى لا تخطنون طريقهم ولا يخطنكم سنة بني إسرائيل) (4).**

خاتم انبیا (ص) می‌فرماید: (قسم به آنکه جانم در دست اوست، دنباله‌روی سنت‌های پیش از خود خواهید بود؛ قدم‌به‌قدم و بدون هیچ انحرافی؛ از راه و روش آن‌ها جدا نمی‌شوید و سنت‌های بنی‌اسرائیل نیز از شما جدا نمی‌گردد)؛ (2).

**وفي هذه الأوراق أمة دخلت في التيه وخرجت منه وأمة دخلت فيه ولا تزال فيه، وفي هذه الأوراق إشارة إلى طريق الخروج من التيه.**

این نوشته‌ها داستان ملتی است که در سرگردانی وارد شدند و از آن نجات یافتند و همچنین ملتی دیگر که در سرگردانی وارد شدند و همچنان در آن قرار دارند؛ در این نوشته‌ها، اشاره‌ای به راه نجات وجود دارد.



ارتأيت أنا المسكين قليل العمل كثير الزلل أن أكتبها لتكون صرخة كل مستضعف بوجه الطواغيت، ولتكون صرخة من سيد المستضعفين الحجة على الخلق أجمعين مهدي هذه الأمة (ع) إلى كل مؤمن ومؤمنة يستنصرهم بها، ولتكون حجة على كل متخاذل عن نصرته (ع) اليوم قبل قيامه وغداً بعد قيامه.

من، بنده مسكين کم عمل و پرلغزش، به نگارش درمی آورم تا فریاد تمام مستضعفان بهسوی بیدادگران باشد؛ تا ندای سرور مستضعفین، حجت بر تمام خلق، مهدي این امت (ع)، بهسوی هر زن و مرد مؤمنی باشد تا آنها را به این وسیله یاری نماید و حجتی بر روی گردانان از یاری اش باشد؛ چه امروز قبل از قیامش یا فردا پس از قیام ایشان (ع) .

ثم اني أرجو من الله العزيز الرحيم الكريم أن يجعلها حجة من حججه في عرصات يوم القيامة.

والحمد لله الذي خلقني فهو يهدينى، ربي ألحقتى بالصالحين ولا تخزني يوم يبعثون يوم لا ينفع مال و لا بنون إلا من أتى الله بقلب سليم.

از خداوند عزیز رحیم کریم خواستارم تا آن را حجتی از حجت‌های خویش در صحرای محشر قرار دهد. سپاس خداوندی که مرا آفرید، سپس هدایت‌م فرمود. خداوندا! من را به صالحین ملحق فرما و روز برانگیخته‌شدن سرافکنده مساز؛ روزی که مال و فرزند، هیچ سودی ندارد، مگر کسی که با قلبی سلیم به درگاه خداوند بیاید.

ربي وتقبل مني هذا العمل القليل وارض قلب صاحب الزمان عني ...

خداوندا! این تحفه ناچیز را از من بپذیر و دل صاحب‌الزمان را از من راضی بگردان.

مولاي يا صاحب الزمان، يا حجة الله في أرضه يا بقية الأنبياء والأوصياء أيها المظلوم المغصوب الحق يا أيها العزيز مسنا وأهلنا الضر وجننا ببضاعة مزجاء فأوف لنا الكيل وتصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين ...

مولای من، ای صاحب‌الزمان! ای حجت خدا بر زمینش، ای وارث پیامبران و اوصیا، ای مظلومی که حقش غصب شده است، ای عزیز! مصیبت به جان ما و اهل‌بیت ما افتاد و با توشه‌ای ناچیز، نزد شما آمدیم؛ پس پیمان‌ه را بر ما تمام کن و بر ما تصدقی فرما که خداوند صدقه‌دهندگان را اجر و ثواب عطا می‌فرماید...

مات التصبر في انتظارك ..... أيها المحيي الشريعة  
فانهض فما أبقى التحمل ..... غير أحشاء جزوعة  
قد مزقت ثوب الأسي .. وشكت لواصلها القطيعة  
فالسيف آن به شفاء .... قلوب شيعتك الوجيعة  
فسواه منهم ليس ينعش .... هذه النفس الصريعة  
طالت حبال عواتق ..... فمتى تعود به قطيعة  
كم ذا القعود ودينكم ..... هدمت قواعده الرفيعة  
تنعى الفروع أصوله ..... وأصوله تنعى فروعاه  
فيه تحكم من أبا .... ح اليوم حرمة المنيعة  
من لو بقيمة قدره ... غاليت ما ساوى رجيعة  
فاشحن شبا غضب له ... الأرواح مذعنة مطيعة  
إن يدعها خفت لدعوته ... وإن ثقلت سريعة  
واطلب به بدم القتل .... بكرىلاء في خير شيعة  
ماذا يهيجك إن صبرت ..... لوقعة الطف الفظيعة  
أترى تجيء فجيعة ..... بأرض من تلك الفجيعة  
حيث الحسين على الثرى .. خيل العدى طحنت ضلوعه  
قتلته آل أمية ..... ظام إلى جنب الشريعة  
ورضيعه بدم الوريد .... مخضب فاطب رضيعه

يا غيرة الله اهتفي .... بحمىة الدين المنىعة  
وظبى انتقامك جردى ... لطفى ذوى البغى التلىعة  
ودعى جنود الله تملأ ... هذه الأرض الوسىعة  
واستأصلى حتى الرضىع ... لآل حرب والرضىعة [5].

آنكه در انتظار تو صبور بود هلاك شد، اى احياكننده شرىعت  
پس به پا خىز كه تحملى نمانده است، جز مقدار بسىار اندكى  
زخم كهنه سرباز كرد و از جدائى وصل شكائت مى كند  
هم اكنون، شمشىر شفاآور است براى قلبهاى شىعىان دردمندت  
همه يكسان اند، بهبود نمى يابد، اين نفس زمىن گىر شده بندهاى بردگى بسىار شد، كى جدا شده به  
آن باز مى گردد؟

چه بسىار استواران بر دىن شما كه پاىههاى بلندشان وىران شد  
از فروع آن، اصول و از اصولش، فروع را برگرفته است  
آن كه حرمت گرانش را درىد، امروز در آن به رأى خود حكم مى كند  
به جاى كسى كه هم بهاى آن و مخاطب سخن آن است  
پس شمشىر برنده را بر كمش، براى ارواح گوش به فرمانت  
كه اگر دعوتشان كند، سبك بار مى شتابند حتى اگر سنگىن باشند  
با خون خود، بودن در كربلا با بهترىن شىعىانت را طالبىم  
اگر صبر كنى، چه چىزى به تلاطمت در مى آورد،  
از روىداد هولناك كناره رود

آيا نمى بينى كه فاجعه اى دردناكتر بعد از فاجعه اى مى آىد

که حسین بر خاک افتاد و اسب‌های دشمنان، دنده‌هایش را آسیاب کردند

آل امیه او را شهید کردند، تشنه‌لب کنار رودخانه او را با خون ورید سیراب کردند، رنگین شد  
آنکه که برای شیرخوارش طلب نمود

ای غیرت خدا، بدرخش، با تعصب برای دین استوار

قوچ انتقام تو شمشیر کشید برای کسی که خواستار گردن‌کشی است

لشکر خدا برای پر کردن این زمین وسیع، دعوت شدند

تا از بیخ برکنند حتی کودکان آل جنگ با شیرخوارگان را. (1)

\*\*\*\*\*

1- مائده: 23

[2]- سبأ: 28-30.

1- سبأ: 28 تا 30

[3]- الفرقان: 27-29.

1- فرقان: 27 تا 29

[4]- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 303. ورواه أحمد فی المسند: ج 5 ص 340، والترمذی فی سننه: ج 3 ص 322، والهیثمی فی مجمع الزوائد: ج 7 ص 216 باختلاف فی الألفاظ مع وحدة المضمون.

2- تفسیر عیاشی: ج 1، ص 303؛ مسند احمد: ج 5، ص 340؛ سنن ترمذی: ج 3، ص 322؛ هیثمی در مجمع الزوائد: ج 7، ص 216 با مقداری اختلاف در الفاظ ولی با مضمون یکسان.

[5]- آیات من قصیده مشهوره لشاعر أهل البيت السيد حيدر الحلبي رحمه الله، راجع دیوانه: ج 1 ص 37.

1- ایبائی از قصیده مشهور شاعر اهل بیت سید حیدر حلّی. به دیوان او، جلد 1، ص 37 رجوع نماید.

مات التصبر فی انتظارک ایها المحی الشریعه / فانھض فما أبقی التحمل غیر أحشاء جزوعه  
قد مزقت ثوب الأسی و شکت لواصلها القطیعه / فالسیف آن به شفاء قلوب شیعتک الوجیعه  
فسواه منهم لیس ینعش هذه النفس الصریعه / طالت حبال عواتق فمتی تعود به قطیعه  
کم ذا القعود و دینکم هدمت قواعدہ الرفیعه / تنعی الفروع أصوله و اصوله تنعی فروعہ  
فیه تحکم من أباح الیوم حرمتہ المنیعه / من لو بقیمة قدره غالیة ما ساوی رجیعه

فاشذ شبا غضب له الأرواح مذعنة مطيعه / أن يدعوها خفة لدعوته وان ثقلت سريعه  
واطلب به بدم القتيل بكر بلاء في خير شيعه / ماذا يهيجك إن صبرت لوقعة الطف الفظيعة  
أترى تجئ فجيعة بأمض من تلك الفجيعة حيث / الحسين على الثرى خيل العدى طحنت ضلوعه  
قتلته آل أمية ضام إلى جنب الشريعه / ورضيعة بدم الوريد مخضب فاطلب رضيعة  
غيرة الله اهتفى بحمية الدين المنيعه / وضى انتقامك جردى لطفى ذوى البغى التليعه  
ودعى جنود الله على هذه الأرض الوسيعة / و استأصلى حتى الرضيع لآل حرب والرضيعة

### بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِيِ الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ  
الإصْبَاحِ، دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ.

حمد و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است؛ کسی که مالک سلطنت، روان‌کننده  
کشتی (وجود)، مُسَخِّرِ كِنْدَه باده‌ها، شكافنده سپیده صبح، حکم‌فرمای روز جزا و پروردگار  
جهانیان است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاوُتُ وَ سُكَّانُهَا، وَ تَرَجِفُ الْأَرْضُ وَ عَمَّارُهَا،  
وَ تَمْوجُ الْبِحَارُ وَ مَنْ يَسْبِغُ فِي عَمْرَاتِهَا

سپاس مخصوص خدایی است که از ترس و خشیت او، آسمان و ساکنانش می‌غرند و زمین و  
آبادکنندگان می‌لرزند و دریاها و هر آنچه در اعماقش غوطه‌ور است، موج می‌زنند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَلْفُكِ الْجَارِيَةِ فِي الْجَجِّ الْغَامِرَةِ، يَا مَنْ مَنْ  
رَكِبَهَا وَ يَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا، أَلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَ أَلْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ، وَ أَللَّازِمُ لَهُمْ  
لَا حِق.

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ کشتی روان در اقیانوس‌های ژرف؛ هرکه بر آن  
سوار شود، ایمنی یابد و هرکه آن را رها کند غرق شود. کسی که از آن‌ها پیش افتد، از دین  
خارج است و کسی که از آن‌ها عقب بماند، نابود است؛ و همراه با آن‌ها، ملحق می‌شود